



رویکرد امام خمینی (ره) به مسئله روابط با اسرائیل در دوره پهلوی دوم با تکیه بر اسناد

سجاد دادفر؛ طلعت ده پهلوان؛ حسن حسینی^۳

۳۲

دوره ۹، شماره ۱، پیاپی ۳۲
بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۳/۲۶

صص: ۳۴۵-۳۱۹

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸
الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

در دوران پهلوی دوم روابط ایران و اسرائیل به‌ویژه در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی گسترش یافت و رژیم پهلوی از کمک‌های اسرائیل برای تقویت توان دفاعی خود بهره برد. این روابط، که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تشدید شد، با مخالفت شدید روحانیون و گروه‌های مذهبی مواجه گردید. امام خمینی (ره) در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود، اسرائیل را نماد استعمار غربی و تهدیدی برای امنیت و هویت اسلامی ایران معرفی کرده و بر ضرورت مقابله با آن تأکید داشتند. این تحقیق با استفاده از اسناد تاریخی، از جمله سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها و گزارش‌های ساواک، به تحلیل دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره خطرات ناشی از اسرائیل و اقدامات رژیم پهلوی در برقراری روابط پنهانی با این رژیم می‌پردازد. همچنین، ابعاد مختلف تلاش‌های امام برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران در مواجهه با این تهدیدات بررسی می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) با درک عمیق از خطرات ناشی از استعمار اسرائیل، نقش محوری در بسیج افکار عمومی و مقابله با نفوذ بیگانگان ایفا کردند.

کلیدواژه‌ها: اسرائیل، استقلال ایران، امام خمینی (ره)، دوران پهلوی دوم، واکنش‌های روحانیون.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۲. استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

pahlavant65@gmail.com

مقدمه

تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ معادلات ژئوپلیتیکی منطقه را به شکلی بنیادین تغییر داد و پاسخ‌های متفاوتی از سوی کشورهای اسلامی به همراه داشت. (طالب‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۵۰) ایران در این دوره با رویکردی دوگانه به مسئله نگرست. در رأی‌گیری ۱۹۴۷ سازمان ملل در مورد تقسیم فلسطین، ایران به این طرح رأی منفی داد که نشان‌دهنده حمایت از ملت فلسطین و همبستگی با دیگر کشورهای اسلامی بود. (محمدی، ۱۳۸۶: ۷۷-۹۳) اما پس از تأسیس رژیم صهیونیستی، ایران به جای به رسمیت شناختن یا مقابله آشکار با آن، به سیاستی محتاطانه روی آورد. (حسینی و کریمی، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۲۷) این امر تلاشی برای حفظ تعادل بین افکار عمومی داخلی که با صهیونیسم مخالف بودند و روابط راهبردی با غرب، به‌ویژه آمریکا و بریتانیا، بود. (زارع و سلامی، ۱۳۹۱: ۹۸-۱۱۰)

در دوران پهلوی دوم، سیاست خارجی ایران تحت نفوذ روزافزون غرب قرار گرفت. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که با حمایت آمریکا و بریتانیا انجام شد، ایران را به پایگاهی استراتژیک در مقابله با شوروی تبدیل کرد. (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۵۰-۱۶۵) این وابستگی به غرب، روابط ایران با اسرائیل را نیز تحت تأثیر قرار داد. آمریکا به دنبال تقویت متحدان منطقه‌ای بود و روابط ایران و اسرائیل را در راستای این هدف می‌دید. (ازغندی، ۱۳۸۳: ۲۳۴-۲۴۵) اسرائیل نیز برای شکستن انزوای منطقه‌ای خود، به ایجاد پیوندهای استراتژیک با کشورهای غیرعرب مانند ایران و ترکیه علاقه‌مند بود. (نجفی، ۱۳۸۲: ۹۰-۱۰۵)

پس از بازگشت شاه به قدرت، سیاست خارجی ایران کاملاً در جهت منافع غرب تنظیم شد. در این دوره، روابط با اسرائیل احیا و تقویت شد. (رحیمی و جعفری، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۳۹) همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی بین موساد و ساواک، مبادلات اقتصادی و تأمین نفت از جمله جنبه‌های این روابط بودند. (Dreyfuss, 1980: 1-3)

این روابط با وجود مخالفت‌های داخلی، تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ ادامه یافت، چرا که رژیم پهلوی بقای خود را در وابستگی به غرب می‌دید و اسرائیل را متحدی راهبردی می‌شناخت. (سلطانی و نوری، ۱۳۹۲: ۵۶-۷۲)

این پژوهش با تحلیل اسناد تاریخی، از جمله سخنرانی‌ها و گزارش‌های ساواک، به بررسی رویکرد امام‌خمینی(ره) در مقابله با استعمار اسرائیل و تأثیر آن بر استقلال و تمامیت ارضی ایران می‌پردازد. امام‌خمینی(ره) با استناد به آموزه‌های اسلامی، استعمار اسرائیل را تهدیدی جدی برای هویت مسلمانان

و امنیت ایران قلمداد کرده و با مخالفت‌های خود، نقش محوری در بسیج افکار عمومی و تقویت جنبش‌های ضد رژیم ایفا نمودند. این نارضایتی‌ها در نهایت به وقوع انقلاب اسلامی ایران منجر شد.

۱. نفوذ فرهنگی و اقتصادی اسرائیل در ایران

اسرائیل در دوران پهلوی دوم تلاش گسترده‌ای برای نفوذ فرهنگی و اقتصادی در ایران داشت. (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۸۰-۱۷۵) در حوزه فرهنگی، پیشنهاد تشکیل انجمن‌های فرهنگی ایران و اسرائیل یکی از راهکارهای این نفوذ بود که با مخالفت‌های شدید داخلی، به‌ویژه از سوی روحانیون، مواجه شد. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۲۲۸-۲۲۳) با این حال، اسرائیل از طریق رسانه‌ها، ارتباطات دانشگاهی و ترویج الگوهای توسعه غرب‌محور، به دنبال تقویت جایگاه خود در ایران بود. (نجاری‌راد، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۰) در حوزه اقتصادی، نفوذ اسرائیل در بخش‌های مالی و تجاری مشهود بود. (جعفری، ۱۳۹۰: ۵۶-۳۳) قراردادهای کشاورزی، صنعتی و انتقال فناوری میان دو کشور، بخشی از این استراتژی محسوب می‌شد. همچنین، حمایت اسرائیل از برخی شبکه‌های مالی در ایران، به تقویت موقعیت اقتصادی این رژیم کمک کرد. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طبق اطلاع توسط دولت اسرائیل اقداماتی در حال انجام است که در ایران یک انجمن فرهنگی بنام ایران و اسرائیل تشکیل شود.

نظریه: تشکیل انجمن مزبور در حال حاضر صرفنظر از جنبه داخلی (مخالفت روحانیون ایران) از لحاظ سیاست خارجی نیز با توجه به روابط ایران و اعراب بسود کشور نخواهد بود.

رشییدی، ۶/۲۹

بخش ۳۲۱ بررسی نماید. ۶/۲۹

در پرونده کلی روحانیون ضمیمه شود. ۶/۳۱
(مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۵، ص ۳۴۷)



۳. گزارش سفیر لبنان

گزارش سفیر لبنان در تهران بازتابی از نگرانی‌های کشورهای عربی نسبت به روابط ایران و اسرائیل در دوران پهلوی دوم است. این گزارش نشان می‌دهد که کشورهای منطقه، به ویژه لبنان، روابط نزدیک تهران و تل‌آویو را تهدیدی برای همبستگی اسلامی و مقاومت در برابر استعمار صهیونیستی می‌دانستند. (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۹۰-۲۰۳) سفیر لبنان با اشاره به تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی دو طرف، از نفوذ روزافزون اسرائیل در ایران، به‌ویژه در حوزه‌های مالی، مطبوعاتی و فنی، ابراز نگرانی کرده است. (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۸۹-۱۰۲) او تأکید دارد که این روابط، نه تنها ایران را از همسایگان عرب خود دور کرده، بلکه موجب تقویت جریان‌های ضدشاهی در داخل کشور شده است. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که کشورهای عربی، از جمله لبنان، روابط ایران و اسرائیل را عاملی در تضعیف مسئله فلسطین و تقویت سیاست‌های غرب در منطقه می‌دانستند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۲۹۲) در نهایت، گزارش سفیر لبنان نشان‌دهنده حساسیت کشورهای اسلامی نسبت به سیاست‌های رژیم پهلوی و تأثیر این



روابط بر جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای است، عاملی که بعدها در جریان انقلاب اسلامی، به یک محور اصلی در سیاست‌های ضداستعماری امام‌خمینی(ره) تبدیل شد. (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۸۲-۹۸)

شماره ۲۳۱/۱۳۱۷۴ تاریخ: ۴۳/۶/۲۱

موضوع: گزارش سفیر لبنان
طبق اطلاع:

سفیر لبنان در تهران قبل از عزیمت از تهران بوزارت امور خارجه کشور متبوعه‌اش گزارش نمود. دکتر دوریل نماینده یهودی‌ها در تهران تعمداً یادداشت‌هایی به سفارتخانه‌های مقیم تهران ارسال و خود را سفیر اسرائیل و اعضای هیئت دیپلماسی خود را به ترتیب معرفی نموده بود.

این سفارت نظر ادارات مسئول را نسبت باین موضوع طلب نموده و دنبال آن وزیر امور خارجه ایران یهودی نامبرده را احضار و باو دستور می‌دهد که از دنبال کردن اعمال تحریک‌آمیز و خلاف اصول خودداری نماید و یادداشت دیگری بسفارتخانه‌های مختلف نوشته و از اشتباهی که مرتکب شده است - عذرخواهی کند و در غیر اینصورت ظرف بیست و چهار ساعت خاک ایران را ترک نماید.

لذا مشارالیه بکشورش (اسرائیل) مراجعت و روز بعد بایران بازگشت و از مسئولین دولتی ایران عذرخواهی نمود ضمناً یادداشت دیگری به هیئتهای دیپلماسی ارسال و طی آن از عمل اشتباه‌آمیز خود معذرت خواسته است.

گیرندگان

به اداره کل هفتم - بخش خاورمیانه - بخش ترکیه و اسرائیل

(مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۶، ص ۳۴۲)



آن طوری که، آقای سفیر لبنان متذکر شدند موضوع یادداشت سفارت اردن (به اتحادیه عرب) مبنی بر باز شدن دفتری برای رسیدگی بامور ایرانیان مقیم اسرائیل. موضوعی دقیق نیست بلکه سفارت سوئیس که عهده‌دار رسیدگی به مشکلات ایرانیهای اسرائیل است از دولت ایران تقاضا نموده یک کارمند کاردان ایرانی که صلاحیت رسیدگی بامور کنسولی را داشته باشد با اسرائیل اعزام نماید تا بکارهای ایرانیان که بسیار زیاد است رسیدگی کند و این موضوع تا زگی ندارد بلکه یکسال و نیم پیش عملی شد و بهمین میزان محدود میگردد. اما آنچه در یادداشت‌های دولت کویت (به اتحادیه عرب) وارد شده اغراق‌آمیز و قابل دقت و اعتماد نیست چون دکتر

ارسنجان^۱ از وزارت استعفاء داد نه‌آنطوریکه گفته شده است برای تشکیل کابینه جدید بوده است البته نامبرده از بزرگترین دوستان اسرائیل بشمار میرود و او بود که کارهای زیر را انجام داد:

۱- توافق ارسنجان و موشی دیال^۲ برای اعزام کارشناسان ژئوفیزیک آبهای تحت‌الارضی

۲- گولدامایر^۳ از تهران عبور کرد و آقای حسن ارسنجان از او استقبال بعمل آورد.

۳- مسافرت ارسنجان با اسرائیل و مدتی اقامت او در آنجا پیش از استعفايش و سپس اظهاراتی که در ایران درباره آمادگی اسرائیل برای سرمایه‌گذاری در ایران همچنین تفسیر رادیو اسرائیل درباره مسافرت احمد فرهاد. در اینجا بنامه شماره ۱۴/۷/۲ مورخ ۱۹۶۳/۱/۸ خود اشاره مینمائیم که اسرائیل هرگونه فرصت را مغتنم میشمارد تا روابط خود را با ایران محکمتر ساخته پیشنهاد تقدیم کار شناسانی در هر زمینه و سرمایه‌گذاری و اعزام دانشجو و غیره مینماید و در تقویت نفوذ یهودیان ایران در زمینه‌های مالی و مطبوعات کوشش فراوان بعمل می‌آورد. اما موضوع اینکه گفته شده است نفوذ اسرائیل در ایران بمیزانی رسیده که با توصیه اسرائیل کنگره کشاورزی که جمعیت فراوانی از کشاورزان در آن شرکت کردند و شاه آن را افتتاح کرد و لوایح اصلاحی ششگانه معروف خود را اظهار داشت (موضوع گزارشات متعددی

که در این مورد ارسال نموده‌ایم) برگزار گردیده بسیار اغراق‌آمیز و از حقیقت دور است چون شاه در اغلب کارهایش ابتکار عمل را در دست دارد و شایسته نیست طور دیگری تعبیر شود.

موضوع آمدن برخی مسئولین اسرائیل بایران امری است واضح ولی مذاکرات فیما بین بصورت رسمی بعمل نمی‌آید. چنانچه بن‌گوریون^{۵۵} از تهران عبور کرد و در آنموقع دکتر امینی همراه وزیر خارجه از او دیدن کردند (موضوع گزارش سری ما بشماره....) ولی این ملاقات هم بطور رسمی انجام نگرفت.

۴. رویکرد امام خمینی (ره) در مقابله با استعمار و اسرائیل

امام خمینی (ره) رویکردی مشخص و استوار در مقابله با استعمار و به طور خاص اسرائیل اتخاذ کرد. (احمدی و خدادادی، ۱۳۸۶: ۴۵-۶۳) ایشان اسرائیل را نه به عنوان یک دولت مستقل، بلکه به عنوان نمادی از استعمار غربی و ابزاری برای سلطه آمریکا و بریتانیا در منطقه در نظر می‌گرفت. در نگاه امام، حمایت رژیم پهلوی از اسرائیل، نشانه‌ای از خیانت به منافع ملی ایران و وابستگی به قدرت‌های استعماری بود. (خمینی، ۱۳۶۱: جلد ۵، ۱۳۰-۱۴۰)

او اسرائیل را با عنوان "غده سرطانی" در منطقه توصیف می‌کرد که با پشتیبانی غرب، تهدیدی برای امت اسلامی محسوب می‌شد. از این رو، قطع روابط با اسرائیل را یک تکلیف دینی و سیاسی می‌دانست و مبارزه با این رژیم را به عنوان یکی از اصول اساسی نهضت اسلامی خود برگزید. (بهرامی و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۴-۵۱) روز جهانی قدس و حمایت مداوم از فلسطین، نمونه‌های بارزی از این رویکرد بودند که بعدها به اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شدند. امام خمینی (ره) بر این باور بود که اسرائیل در خدمت راهبردهای استعماری غرب است و وحدت و مقاومت کشورهای اسلامی تنها راه مقابله با این تهدید است. (حقی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲-۲۸)

همچنین، مبارزه امام خمینی (ره) با استعمار شامل نقد شدید به وابستگی‌های رژیم پهلوی به قدرت‌های خارجی نیز می‌شد. او رژیم شاه را ابزاری برای اجرای سیاست‌های استعماری در ایران می‌دانست که به ویژه از طریق همکاری‌های اطلاعاتی بین ساواک و موساد، این وابستگی را نشان می‌داد. (Einhorn, 1999: 456-459).

امام با انتقاد از برنامه‌هایی مانند انقلاب سفید، از تلاش‌های رژیم برای تضعیف هویت اسلامی و تحمیل فرهنگ غربی به مردم ایران سخن می‌گفت. (صادقی و نوروزی، ۱۳۹۴: ۸۸-۱۰۵)

یکی از نقاط عطف این مبارزات، سخنرانی تاریخی عاشورای ۱۳۴۲ بود که در آن، امام خمینی به افشای سیاست‌های وابسته شاه و حمایت او از اسرائیل پرداخت. این سخنرانی نه تنها مردم را آگاه کرد، بلکه موجب بازداشت و تبعید امام شد، اما این تبعید نه تنها مانعی برای ادامه مبارزات نشد، بلکه مقاومت را تقویت کرد. این سخنرانی و مبارزات امام خمینی^(ره)، نقش او را به عنوان رهبر نهضت اسلامی در ایران و رهبر مبارزه با استعمار تثبیت کرد. (محمدی و رضایی، ۱۳۸۷: ۷۸-۹۵)

۱.۴. اعلام عزای ملی در روز دوازدهم محرم

اعلامیه‌ای که به امضای امام خمینی^(ره) و دیگر علمای برجسته منتشر شد، نشانگر استمرار موضع‌گیری قاطع ایشان علیه استعمار، استبداد و نفوذ اسرائیل در ایران بود. این بیانیه، با اشاره به فجایع پانزده خرداد ۱۳۴۲، رژیم پهلوی را به سرکوب وحشیانه ملت و خیانت به اسلام و استقلال کشور متهم کرد. امام خمینی^(ره) با تأکید بر نقش علمای اسلام در دفاع از احکام اسلامی، صراحتاً علیه روابط ایران و اسرائیل موضع گرفتند و این رژیم را ابزار سلطه استعمار بر جهان

اسلام دانستند. (حسینی و جلالی، ۱۳۹۲: ۴۰-۵۵) ایشان حمایت شاه از اسرائیل را ننگی برای ایران برشمردند و از ملت خواستند که در برابر این سیاست‌ها ایستادگی کنند. (Friedman, 2000: 187).

این اعلامیه، ضمن اعلام عزای ملی برای شهدای قیام، بر وظیفه همه مسلمانان در مقابله با استعمار و حفظ استقلال اسلامی تأکید داشت. انتشار این پیام، نه تنها بر آگاهی سیاسی مردم افزود، بلکه زمینه‌ساز تقویت موج مبارزات انقلابی شد و نقش امام خمینی^(ره) را به عنوان رهبر نهضت اسلامی ایران تثبیت کرد. (شریفی و کریمیان، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۴۵)

از: مرکز تاریخ: ۴۳/۲/۳۰

به: کلیه ساواکها شماره: ۳۲۱/۶۵۹۱

روز جاری اعلامیه‌ای به امضاء آیت‌الله خمینی. نجفی مرعشی. قمی و میلانی پیرامون سالروز وقایع پانزده خرداد چاپ و در پاره‌ای از محافل پایتخت توزیع گردیده است.^۲ به فرموده دستور فرماید به

محض رسیدن اعلامیه مورد بحث به حوزه استحضاری آن ساواک عاملین توزیع را دستگیر و نتیجه را گزارش نمایند. مقدم

رونوشت برابر اصل است.

اصل در پرونده خمینی است

رونوشت در پرونده میلانی بایگانی شود. ۳/۳ (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۶، ص ۳)

متن اعلامیه مشترک آیات عظام به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (۱۵۶/۲) ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (۲۲۷/۲۶)

یک سال از فاجعه خونین ۱۲ محرم ۸۳ ۱۵ خرداد

۱۳۴۲" گذشت. یک سال از مرگ فجیع عزیزان ملت سپری

شد. یک سال از بی خانمان شدن و بی سرپرست شدن یتیمان

بی پدر و زنهای بی شوهر و مادران داغدار گذشت. واقعه

۱۵ خرداد ننگ بزرگی برای هیأت حاکمه به بار آورد. این

واقعه فراموش شدنی نیست. تاریخ آن را ضبط کرد. آیاملت

مسلمان چه جرمی مرتکب شده بود؟ زنها و اطفال صغیر چه

گناهی کرده بودند؟ چرا آنها را به مسلسل بستند؟ علمای اسلام

و خطبای مذهبی چه جرمی داشتند؟ گناه آنها دفاع از حق بود؛

دفاع از قرآن کریم بود. به جرم نصایح مشفقانه و صلاح

اندیشی اهانت شدند، به حبس کشیده شدند، محصور

گردیدند، مبتلا به مصایب شدند. مملکت را در هر حال بیان

کنند. اینها جرم است؟ اینها ارتجاع سیاه است؟ در این مملکت تمام فرق ضاله آشکارا تبلیغ ضد اسلامی

می کنند، محافل آزاد دارند، مجالس علنی دارند. مسیحین، فرستنده در کلیسای انجیلی در تهران دارند،

موسسه در کرمانشاه دارند؛ مدارس رسمی دارند، برخوردار از پشتیبانی دولتها هستند، نشر کتب ضد

دینی آزاد است؛ فقط مسلمانها و مبلغین مذهبی و علمای اسلام آزاد نیستند. تبلیغات دینی و بیان قانون



شکنیها "ارتجاع سیاه" شناخته شده و ممنوع گردیده. محافل دینی و مجامع مذهبی محتاج به اجازه شهربانیها و سازمانهاست. دستجات عزاداری بر حضرت سیدالشهدا - علیه الصلوه والسلام - باید محدود و ممنوع باشد.

ما نمی دانیم اینها چه بستگی با اسرائیل و عمال اسرائیل دارند! آیا برای مملکت کهنسالی مثل ایران ننگ نیست که دولت اسرائیل بگوید ما حمایت از ایران می کنیم! ایران بزرگ تحت الحمایه اسرائیل است؟ آیا خلاف مصالح کشور نیست که مطالب خودساخته بی سروپایی را در افواه ملت بیندازند، و روزنامه ها در اطرافش بحث کنند و ضعف دولت را بر ملا نمایند؟ این سیاست غلط نیست؟ این فضیحت نیست؟ اینها ملت را خواب فرض کردند.

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان؛ مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب، مقابل کسانی که ذخایر این ملت فقیر را به رایگان می برند و ملت بدبخت در آتش فقر و بیکاری و بینوایی می سوزد. در حضور چهره های رنگ پریده از گرسنگی و بینوایی دائما دولتها دم از ترقی و پیشرفتهای اقتصادی می زنند. سیاه " است بگذار ما مرتجع باشیم! ما از واقعه ۱۲ محرم "۱۵ خرداد" خجالت می کشیم. واقعه شوم ۱۵ خرداد و مدارس علمی، فیضیه و غیر آن، پشت ما و هر مسلم غیرتمند رامی شکند؛ تا هیات حاکمه چه عقیده داشته باشد! ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمی کند. ما روز ۱۲ محرم را عزای ملی اعلام می کنیم. بگذار ما را مرتجع بخوانند، کهنه پرست بدانند.

ما از عواقب این اعمال جائزانه خائف هستیم و نصیحت هیات حاکمه را لازم می دانیم؛ و کرارا نصیحت کردیم و خیر و صلاح را گوشزد کردیم، و رعایت نشده است. ما مصلحت می دانیم که دولت، رویه را تغییر دهد. سازمانها و شهربانیها را ایتقدر بر ملت ستمدیده و بر علمای اسلام و خطبای محترم چیره نکند. از این اعمال خلاف قوانین اگر می توانند جلوگیری کنند. علاقه علمای اسلام به ممالک و قوانین اسلامی علاقه الهی ناگسستنی است.

ما از جانب خدای تعالی مامور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت [را] در مقابل خطرهایی که پیش بینی می شود برای اسلام و استقلال مملکت جرم می دانیم؛

گناه بزرگ می دانیم؛ استقبال از مرگ سیاه می دانیم. پیشوای بزرگ ما، حضرت امیرالمومنین - علیه السلام - سکوت را در مقابل ستمکاری جایز نمی دانست؛ و ما نیز جایز نمی دانیم. وظیفه ما ارشاد ملت است، ارشاد دولتهاست، ارشاد جمیع دستگاههاست. ما از این وظیفه به خواست خدای تعالی خودداری نمی کنیم.

در این زمان، سکوت در مقابل ستمکاری، اعانت به ستمکاران است. وظایف اسلامی وظیفه ما تنها نیست وظیفه تمام طبقات است، وظیفه مراجع اسلام است، وظیفه علمای اسلام است؛ وظیفه خطبای اسلام است؛ وظیفه تمام ملت است؛ وظیفه تمام ممالک اسلامی و ملل اسلام است. ما امید واثق داریم که ملل اسلامی در آتیه نزدیکی براستعمار چیره شوند. و ما در موقع خود، به خواست خدای تعالی، از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی کنیم. از خداوند تعالی صلاح حال ممالک اسلامی و ملل اسلام و دولتهای اسلامی راخواستاریم. "اللهم اجعل افئدة من الناس تهوى بنا". والسلام على من اتبع الهدى.

روح الله الموسوی الخمينی، محمد هادی الحسینی المیلانی، شهاب الدین النجفی المرعشی، حسن الطباطبائی القمی (ص ۳ تا ۶) شماره ۲: تاریخ: ۴۳/۳/۳
 ۲، ۴. نمونه‌ای دیگر از اعلامیه‌های امام خمینی (ره)

اعلامیه‌ای که به امضای امام خمینی (ره) و دیگر علمای برجسته منتشر شد، نشانگر استمرار موضع‌گیری قاطع ایشان علیه استعمار، استبداد و نفوذ اسرائیل در ایران بود. این بیانیه، با اشاره به فجایع پانزده خرداد ۱۳۴۲، رژیم پهلوی را به سرکوب وحشیانه ملت و خیانت به اسلام و استقلال کشور متهم کرد. امام خمینی (ره) با تأکید بر نقش علمای اسلام در دفاع از احکام اسلامی، صراحتاً علیه روابط ایران و اسرائیل موضع گرفتند و این رژیم را ابزار سلطه استعمار بر جهان اسلام دانستند. ایشان حمایت شاه از اسرائیل را ننگی برای ایران برشمردند و از ملت خواستند که در برابر این سیاست‌ها ایستادگی کنند. (مسعودی و شریفی، ۱۳۹۵: ۴۵-۶۲) این اعلامیه، ضمن اعلام عزای ملی برای شهدای قیام، بر وظیفه



همه مسلمانان در مقابله با استعمار و حفظ استقلال اسلامی تأکید داشت. انتشار این پیام، نه تنها بر آگاهی سیاسی مردم افزود، بلکه زمینه‌ساز تقویت موج مبارزات انقلابی شد و نقش امام خمینی (ره) را به عنوان رهبر نهضت اسلامی ایران تثبیت کرد.

شماره: ۱۹۳۴ / ق م

موضوع: اعلامیه خمینی

بدین وسیله دو برگ از نمونه اعلامیه‌های خمینی که در مدرسه‌های خان وفیضیه و حجتیه قم الصاق شده بوده به پیوست ایفاد می‌گردد.

رئیس سازمان و اطلاعات و امنیت قم، ح بدیعی

اقدامی ندارد.

به فرموده بایگانی شود. ۴۳/۸/۱۶

امور اجتماعی - ۴۳/۸/۱۶ (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۶، ص ۳۴۲)

پیام بزرگ پرچمدار اسلام حضرت آیه‌الله العظمی
آقای خمینی مدظله العالی به ملت اسلامی خصوصاً ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿كُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (۴/۱۴۱)

آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می‌داند مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضا کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به امریکا داد. قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما، قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزافهای چندین ساله سران قوم، ایران را از



عقب افتاده ترین ممالک دنیا پست تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب منصبان و درجه داران نمود، حیثیت دادگاههای ایران را پایمال کرد؟ به ننگین ترین تصویب نامه دولت سابق با پیشنهاد دولت حاضر بدون اطلاع ملت با چند ساعت صحبت‌های سری رأی مثبت داد؟ ملت ایران را در تحت اسارت آمریکاییها قرار داد؟ اکنون مستشاران نظامی و غیر نظامی آمریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند، پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد، دادگاههای ایران حق رسیدگی ندارند، چرا؟ برای آنکه آمریکا مملکت دلار است؛ و دولت ایران محتاج به دلار.

به حسب این رأی ننگین اگر یک مستشار امریکایی یا یک خادم مستشار امریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از

افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان عالی رتبه ایران هر جسارتی بکنند، هر جنایتی بنماید پلیس حق بازداشت او را ندارد، محاکم ایران حق رسیدگی ندارد ولی اگر به یک سگ آنها تعرض بشود پلیس باید دخالت کند، دادگاه باید رسیدگی نماید.

امروز که دولتهای مستعمره یکی پس از دیگری با شهادت و شجاعت خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کنند مجلس مرفعی ایران با ادعای سابقه تمدن دو هزار و پانصد ساله با لاف هم ردیف بودن با ممالک مرفعی به ننگین ترین و موهن ترین تصویب نامه غلط دولتهای بی حیثیت رأی می‌دهد و ملت شریف ایران را پست ترین و عقب افتاده ترین ملل به عالم معرفی می‌کند و با سرافرازی هر چه تمامتر دولت از تصویب نامه غلط دفاع می‌کند و مجلس رأی می‌دهد.

آیا ملت ایران می‌داند که افسران ارتش بجای سوگند به قرآن مجید سوگند به کتاب آسمانی که به آن اعتقاد دارم یاد کردند این همان خطری است که کرارا تذکر دادم خطر برای قرآن مجید خطر برای اسلام عزیز خطر برای مملکت اسلام خطر برای استقلال کشور، من نمی‌دانم دستگاه جبار از قرآن کریم چه بدی دیده است از پناه به اسلام و قرآن چه ضرری برده است که این قدر پافشاری برای محو اسم آن می‌کند، اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که از شما سند بردگی بگیرد، اجازه نمی‌دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود، جدا بودن ملت از هیئت حاکمه، بر خوردار نبودن آنها از پشتیبانی ملت این مصیبت‌ها را پیش می‌آورد.



اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی‌نگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است و قانونیت ندارد، مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند وکلای سر نیزه هستند، رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد، و اگر اجنبی‌ها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند تکلیف ملت خواهد تعیین شد.

دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است از آمریکا است، ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متتفر است بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنها است، اجانبند که مخازن پر قیمت زیر زمینی ما را به یغما برده و می‌برند، انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بهای ناچیز برده و می‌برد اجانبند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آنها حمله کرده و سربازان ما را از پا در آورده‌اند.

دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند امروز به چنگال امریکا و عمال آن. امریکا است که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند، امریکا است که به اسرائیل قدرت می‌دهد که



اعراب مسلم را آواره کند امریکا است که وکلا را یا بی واسطه یا با واسطه بر ملت ایران تحمیل می‌کند، امریکا است که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آنها را از جلو خود بردارد، امریکا است که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند و باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد، امریکا است که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند تصویب و اجرا کنند امریکا است که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید.

بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند، بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود، از بالاترها به

هر وسیله هست بخواهند این سند استعمار را پاره کند، این دولت را ساقط کنند، وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند. بر ملت است که از علما خود بخواهند در این امر ساکت نشینند و اقدام کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[illegible]

بر پیشوایان دول اسلامی است که فریاد ما را به دنیا برسانند و از مراکز پخش آزاد ناله جانسوز این ملت بدبخت را به جهان گوشزد کنند بر علما و خطبا ملل اسلامی است که با سیل اعتراض این ننگ را از جبهه ملت معظم ایران برادران اسلامی خود بزدایند، بر جمیع طبقات ملت است که از مناقشات جزیی موسمی خود صرف نظر کرده و در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت کوشش کنند، بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شد آگاه نمایند، بر احزاب سیاسی که در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند، هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند یکی است و آن پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید و طرفداری از مسلمین است، اختلافی بین علما اعلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس

نیست اگر فرضاً اختلاف اجتهاد و نظری در امری جزئی و ناچیز باشد مثل سایر اختلافات در امور فرعی مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست.

اگر سازمانهای دولتی گمان کرده اند با شی‌ها می‌توانند ما را از هدف مقدس خود منحرف کنند و به دست جهال متعصب به قصد شوم خود برسند خطا کرده‌اند.

اینجانب که یک نفر از خدمتگزاران علما اعلام و ملت اسلام هستم در موقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی حاضرم برای کوچکترین افراد تواضع و کوچکی کنم تا چه رسد به علما اعلام و مراجع عظام کثرالله امثالهم.

لازم است جوانهای متعصب و طلاب تازه کار از

زبان و قلم خود جلوگیری کنند و در راه اسلام و هدف مقدس قرآن از اموری که موجب تشتت و تفرقه است خودداری نمایند، علما اعلام برای خاتمه دادن به هرج و مرج و بی‌نظمی‌ها در فکر اصلاح عمومی هستند، اگر دولتها مجال فکر به ما بدهند اگر گرفتاریهایی که از ناحیه هیئت حاکمه پیش می‌آید و ناراحتی‌های روحی مجال تصفیه و اصلاح داخلی به ما بدهد این نحو گرفتاریها است که ما را از مسیر خود که میسر تصفیه حوزه‌ها و اصلاح همه‌جانبه است باز می‌دارد، با احساس خطر برای اسلام و قرآن کریم برای ملت و ملیت مجال تفکر در امور دیگر باقی نمانده، اهمیت این موضوعات به قدری است که مشاغل خاص ما را تحت الشعاع قرار داده است.



آیا ملت مسلمان می‌داند که در حال حاضر عده ای از علما و مبلغین و طلاب و بسیاری از مسلمین بی گناه در زندانها بسر می‌برند و بر خلاف قوانین آنها را بدون رسیدگی مدتهای مدید زندانی کرده اند و مرجعی نیست که به این وضع هرج و مرج ارتجاعی قرون وسطایی خاتمه دهد.

هیئت حاکمه به جای آنکه برای اقتصاد ایران، برای جلوگیری از ورشکستگی های بازرگانان محترم، برای نان و آب فقرا و مستمندان، برای زمستان سیاه بی خانمانها، برای پیدا کردن کار برای جوانان فارغ التحصیل و سایر طبقات بیچاره فکری بکنند به کارهای مخرب مثل آنچه گفته شد و به نظائر آن دست می‌زند از قبیل استخدام زن برای دبیرستانهای مردانه و مرد برای دبیرستانهای دخترانه که فساد آن بر همه روشن و اصرار به آن که زنها در دستگاههای دولتی وارد شوند که فساد و بیهوده بودنش بر همه واضح است.

امروز اقتصاد ایران به دست آمریکا و اسرائیل است و بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگان و زارع نشسته است و اصلاحات آقایان بازار سیاه برای آمریکا و اسرائیل درست کرده است و کسی نیست که به داد ملت فقیر برسد من از فکر زمستان امسال رنج می‌برم، من از شدت و گرسنگی و خدای نخواست هلاکت بسیاری از فقرا و مستمندان را پیش بینی می‌کنم لازم است خود ملت به فکر فقرا باشند لازم است از حالا برای زمستان آنها تهیه شود که فجایع سال سابق تکرار نشود. لازم است علما اعلام بلاد مردم را دعوت به این امر ضروری بفرمایند، از خدای متعال عظمت اسلام و مسلمین و رهایی دول اسلامی را از شر اجانب خذلهم الله تعالی را خواستار است.

والسلام علی من اتبع الهدی روح الله الموسوی الخمینی (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۶، ۶۱)



ســـــــــــــــری

آیت‌الله روح‌الله خمینی

نامبرده پس از این که به علت تحریک مردم به مخالفت با دولت و ایراد بیانات توهین‌آمیز مدتی بازداشت و بعداً آزاد گردید به صورت ظاهر از فعالیت‌های مضره‌خود کاست و آنچه در مخالفت با مقامات دولتی ابراز می‌کرد در خفا و پنهانی انجام می‌گرفت ولی در تاریخ ۴۳/۶/۱۸ در مسجد اعظم قم با حضور جمعیتی معادل سه هزار نفر دوباره مبادرت به یک سخنرانی خلاف مصالح نموده و طی آن ضمن حمله به دولت ترکیه گفت که دولت مذکور احکام اسلامی را لغو نموده و سپس اشاره کرد که مامی ترسم اینجا هم مثل آنجا بشود و اضافه نمود که- بیچارگی ما از دول اسلامی است که اسلام رانمی‌شناسند و در خاتمه گفت می‌گویند ما با اسرائیل رابطه نداریم ولی می‌شنویم و در روزنامه اطلاعات می‌خوانیم که چند روز قبل سفیر اسرائیل به تهران آمده است.

پس از این سخنرانی باز هم جسته و گریخته گزارشاتی درباره فعالیت‌های پنهانی مشارالیه واصل شده است که هر یک از آنها به نوبه خود و به موقع گزارش گردیده و به منظور اجتناب از اطاله کلام از ذکر جزئیات آنها خودداری می‌شود. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۶، ۳۱۹)

نتیجه‌گیری

روابط ایران و اسرائیل در دوران پهلوی دوم، اگرچه در چارچوب منافع مشترک اقتصادی و امنیتی شکل گرفت، اما به دلیل حساسیت‌های داخلی و منطقه‌ای با چالش‌های جدی مواجه شد. همکاری‌های غیررسمی ایران و اسرائیل، که با هدف تقویت توان نظامی و اقتصادی رژیم پهلوی دنبال می‌شد، با مخالفت گسترده روحانیون، گروه‌های سیاسی و مردم روبه‌رو شد. امام خمینی (ره) با تأکید بر ماهیت استعماری اسرائیل و وابستگی رژیم شاه به غرب، این روابط را یکی از مصادیق خیانت به جهان اسلام

معرفی کرد و از آن به عنوان ابزاری برای بسیج افکار عمومی علیه پهلوی بهره برد. در سطح منطقه‌ای، این روابط باعث انزوای ایران در میان کشورهای عربی و افزایش تنش‌های دیپلماتیک شد. همچنین، تلاش رژیم شاه برای پنهان‌کاری این ارتباطات، نشان از آگاهی آن از پیامدهای منفی این روابط داشت. در نهایت، بررسی این دوره نشان می‌دهد که تعاملات ایران و اسرائیل نه تنها کمکی به ثبات رژیم پهلوی نکرد، بلکه به افزایش نارضایتی‌های داخلی و تسریع روند انقلاب اسلامی منجر شد.



فهرست منابع

قرآن کریم

- احمدی، کریم (۱۳۹۴). تأثیرات نفوذ فرهنگی و اقتصادی اسرائیل در ایران و منطقه. تهران: انتشارات رسا.
- احمدی، مجید؛ خدادادی، حسین (۱۳۸۶). استراتژی امام خمینی در قبال مسئله فلسطین. مطالعات اسلامی، ۲(۸)، ۶۳-۴۵.
- ازغندی، علیرضا؛ (۱۳۸۳). تاریخ تحولات سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- بهرامی، سعید (۱۳۹۵). روابط فرهنگی ایران و اسرائیل در دوران پهلوی دوم. تهران: انتشارات پیام نور.
- بهرامی، محمدرضا؛ محمدی، علی (۱۳۹۱). رویکرد امام خمینی در قبال مسئله فلسطین. مطالعات راهبردی، ۱۴(۴)، ۵۱-۳۴.
- جعفری، حسین (۱۳۹۰). نفوذ فرهنگی و اقتصادی اسرائیل در ایران: بررسی اسناد و مدارک. پژوهش‌های تاریخی، ۳(۱)، ۵۶-۳۳.
- جمشیدی، محمدحسین؛ (۱۳۹۰). تحولات سیاسی ایران و جهان عرب. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، محمد؛ کریمی، علی (۱۳۸۹). بررسی روابط ایران و اسرائیل پیش از انقلاب اسلامی. تاریخ اسلام و ایران، ۶(۲)، ۱۲۷-۱۱۲.
- حسینی، محمدعلی؛ جلالی، علی (۱۳۹۲). نقش امام خمینی در بیداری اسلامی و مقابله با استعمار اسرائیل. اندیشه سیاسی، ۷(۲۷)، ۵۵-۴۰.
- حق‌شناس، علیرضا؛ (۱۳۹۲). امام خمینی و مسئله فلسطین. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- حق، محمد؛ محمدی، محمود (۱۳۹۴). جایگاه فلسطین در اندیشه امام خمینی. دانش و پژوهش در علوم اسلامی، ۱۸(۳)، ۲۸-۱۲.
- خمینی، روح‌الله؛ (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. جلد ۵.
- رحیمی، محمدرضا؛ جعفری، محمد (۱۳۹۱). روابط پنهانی ایران و اسرائیل در دوران پهلوی دوم. تاریخ معاصر ایران، ۸(۳۱)، ۱۳۹-۱۲۴.
- زارع، علیرضا؛ سلامی، محمد (۱۳۹۱). روابط پنهانی ایران و اسرائیل در دوران پهلوی. تحقیقات تاریخی، ۴(۱۵)، ۱۱۰-۹۸.
- ساجدی، احمد؛ (۱۳۷۷). مشاهیر سیاسی قرن بیستم، تهران: انتشارات محراب قلم.
- سلطانی، احمد؛ نوری، محمد (۱۳۹۲). روابط ایران و اسرائیل در دوران پهلوی دوم. تاریخ و تمدن اسلامی، ۵(۱۹)، ۷۲-۵۶.

- شریفی، احمد؛ کریمیان، حسین (۱۳۹۴). تحلیل سیاست‌های ایران در قبال اسرائیل در دوران پهلوی. مطالعات تاریخی، ۱۰(۳۹)، ۱۳۰-۱۴۵.
- صادقی، حسین؛ نوروزی، مهدی (۱۳۹۴). سیاست خارجی امام خمینی در قبال اسرائیل و فلسطین. مطالعات راهبردی، ۱۷(۶۶)، ۸۸-۱۰۵.
- طالب‌زاده، نادر؛ (۱۳۸۴). اسرائیل و ایران؛ از همکاری تا تقابل. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- کاظمی، محمد (۱۳۹۰). روابط ایران و اسرائیل در دوران پهلوی دوم: ابعاد فرهنگی و اقتصادی. تهران: انتشارات علمی.
- محمدی، جعفر (۱۳۸۶). روابط ایران و اسرائیل در دوران پهلوی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدی، رضا؛ رضایی، حسین (۱۳۸۷). تحلیل سیاست خارجی امام خمینی در قبال اسرائیل. پژوهش‌های سیاسی، ۳(۱۱)، ۷۸-۹۵.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۴). تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی، کتابخانه دیجیتال: <https://historydocuments.org>
- مسعودی، محمد؛ شریفی، احمد (۱۳۹۵). تحلیل رویکرد امام‌خمینی(ره) به مسئله فلسطین. پژوهش‌های سیاسی، ۹(۳۴)، ۴۵-۶۲.
- موسوی، سید محمد (۱۳۷۹). روابط ایران و اسرائیل از پهلوی تا انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نجاری‌راد، تقی (۱۳۹۰). مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نجفی، محمد؛ (۱۳۸۲). سیاست‌های ایران در قبال فلسطین. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ (۱۳۸۴). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۰). تهران: نشر نجاری‌راد.
- Dreyfuss, Robert (1980). *Israel's Secret Relationship with Iran: Behind the Pahlavi-Iran Connection*. The New York Times, 17 November, pp. 1-3.
- Einhorn, Rachel (1999). *Israel-Iran: The Diplomatic Relationship in the Shah Era*. Journal of Strategic Studies, 22(4), pp. 459-456.
- Friedman, Thomas L. (2000). *From Beirut to Jerusalem*. New York: Farrar, Straus and Giroux. p. 187.

□ . دکتر سید حسن ارستجانی فرزند سید محمدحسین در سال ۱۳۰۱ ش در تهران متولد شد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه در مدرسه سنائی و دارالفنون تهران وارد دانشگاه تهران شد و دکتری حقوق خود را از آنجا دریافت کرد. در سال ۱۳۱۹ ش بخدمت بانک کشاورزی در آمد و ریاست شرکتهای تعاونی را به عهده گرفت در سال ۱۳۲۰ وارد کار روزنامه‌نگاری و سیاست شد. در سال ۱۳۲۴ روزنامه «داریا» را منتشر نمود. و از سال ۱۳۲۷ به وکالت دادگستری مشغول گردید. وی در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی از سوی مردم لاهیجان راهی این مجلس شد ولی اعتبارنامه او در مجلس رد شد. وی در تیرماه ۱۳۳۰ به معاونت سیاسی در کابینه قوام رسید و پس از آن در اردیبهشت ۱۳۴۰ ش در کابینه دکتر امینی به وزارت-کشاورزی و سپس امور خارجه رسید او سرانجام در سال ۱۳۴۸ دارفانی را وداع گفت. وی همچنین از اعضای حزب دمکرات قوام بود و مدتی مسئولیت روزنامه دمکرات را به عهده داشت. (دائرةالمعارف ایرانیکا ج ۱، کیهان سالانه ۱۳۴۱، خاطرات شمس قنات آبادی ۷۷)

□□ . موشه دیان از نظامیان و سیاستمداران مشهور رژیم صهیونیستی بود. او در ۲۰ مه ۱۹۱۵ در دهکده یهودی نشین-داگانیه واقع در فلسطین اشغالی متولد شد و در دانشگاه انگلیسی تل‌آویو در رشته‌های کشاورزی، حقوق، و اقتصاد فارغ‌التحصیل گردید. دیان در ۱۴ سالگی در ۱۹۲۹ به گروه تروریستی هاگانا پیوست. در ۱۹۳۹ به جرم فعالیت‌های شدید صهیونیستی به زندان انگلیسی‌ها افتاد و در ۱۹۴۱ آزاد شد. در همین سال چشم چپ خود را در جریان عملیات چریکی علیه نیروهای فرانسوی از دست داد. در ۱۹۴۸ که فاجعه قتل عام اهالی مظلوم دیر یاسین در فلسطین به وقوع پیوست، وی سرهنگ ارتش بود. و از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۸ سمت ریاست ستاد ارتش اسرائیل را برعهده داشت و از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۴ وزیر کشاورزی بود. از ۱۹۶۷، زمان جنگ ۶ روزه تا ۱۹۷۳ زمان جنگ اکتبر وزارت دفاع اسرائیل را به عهده داشت. سپس در ۱۹۷۷ وزیر امور خارجه شد و این سمت را تا ۱۹۷۹ حفظ کرد. وی سرانجام در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۱ بر اثر ابتلا به سرطان در سن ۶۶ سالگی درگذشت. (ساجدی، ۱۳۷۷: ۱۹۴ - ۱۹۵)

□□□ . خانم گلدامایویچ مایر در سوم می ۱۸۹۸ در شهر کیف در شوروی سابق به دنیا آمد. در سال ۱۹۰۶ همراه خانواده‌اش به آمریکا رفت وی تحصیلات خود را در مدرسه‌ای دولتی در شهر میلواکی در آمریکا آغاز و پس از اتمام تحصیلات با شغل-معلمی به فعالیت پرداخت او از همان آغاز به نهضت صهیونیستی در آمریکا پیوست وی در سال ۱۹۲۱ همراه همسرش عازم اورشلیم شد و پس از تشکیل دولت اسرائیل به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. اولین شغل سیاسی او در ۱۹۴۸ در سفارت اسرائیل در مسکو بود. اواز ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۶ در زمان نخست وزیری بن‌گوریون وزیر کار اسرائیل بود و از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶ به مدت ده سال وزیر خارجه این کشور شد. و پس از آن در سال ۱۹۶۹ به نخست وزیری اسرائیل رسید و تا ۱۹۷۴ این سمت را به عهده داشت و سپس در دهم آوریل این سال به دلیل اوجگیری مخالفت اعضای حزب کارگر که خود عضو آن بود. از مقام نخست وزیری استعفاء داد. او در ۱۹۷۶ در گذشت. (ساجدی، ۱۳۷۷: ۴۰۴ - ۴۰۳)

□□ . دیوید بن‌گوریون بانی تأسیس رژیم صهیونیستی و اولین نخست وزیر این رژیم بود. او در ۱۸۶۶ در فلسطین متولد شد و در سن ۲۰ سالگی ۲ سال پس از مرگ تئودور هرتصل پایگذار صهیونیسم، جنبش یهود را برای استقلال یهودیان در فلسطین پایه‌ریزی کرد. وی در دوران جنگ اول جهانی در لژیون یهود خدمت کرد و نقش مؤثری در انتقال تدریجی یهودیان به فلسطین اشغالی ایفا نمود او در ۱۴ مه ۱۹۴۸ و ۵ ماه پس از تصویب طرح تجزیه فلسطین به دو بخش یهودی و فلسطینی-رسماً موجودیت اسرائیل را اعلام کرد و به فاصله چند ساعت

آمریکا و شوروی سابق این رژیم را به رسمیت شناختند. بن‌گوریون تا ۱۹۵۳ نخست وزیر رژیم صهیونیستی بود و از سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ نیز مجدداً این سمت را به عهده گرفت. او یکی از پایه‌گذاران حزب کارگر اسرائیل بود - و تا ۱۹۶۵ رهبری این حزب را به عهده داشت. بن‌گوریون در جنگ ۱۹۵۶ کانال سوئز نیز مورد حمایت گسترده نظامی فرانسه و انگلیس قرار داشت. سرانجام در اول دسامبر ۱۹۷۳ در سن ۸۷ سالگی درگذشت. (ساجدی، ۱۳۷۷: ۱۰۱)

عبدالرضا هوشنگ مهدوی در کتاب خود در رابطه با مسافرت بن‌گوریون می‌نویسد: «... بن‌گوریون در ۴ / دسامبر ۱۹۶۱ (۱۴ / آذر ۱۳۴۰ به تهران سفر کرد. او نخستین رئیس دولت اسرائیل بود که به ایران سفر می‌کرد، اما آخرینشان نبود. بعدها لوی اشکول، گلدمایر، اسحق رابین و مناحیم بگین نیز به ایران سفر کردند.

هوایم‌ای حامل بن‌گوریون که عازم «برمه» بود به بهانه «نقص فنی» در تهران فرود اجباری کرد. در پلویون دولتی فرودگاه دکتر امینی - نخست وزیر وقت - و سرلشکر پاکروان - رئیس ساواک - از او استقبال کردند و مذاکرات در همانجا انجام گرفت... امینی بر اهمیت زیادی که شاه به روابط دوستانه با اسرائیل قائل بود تأکید ورزید اما توضیح داد که جامعه روحانیت به -رهبری آیت‌الله خمینی این موضوع را بهانه حمله به دولت قرار داده آن را متهم می‌سازند که ایران را به آمریکا و اسرائیل فروخته است. به همین جهت دولت ترجیح می‌دهد روابط خود را با اسرائیل محرمانه نگاه دارد... و این رابطه همیشه منحصر به شاه و وزیرانش بود...» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۲۹۲) شماره: اداره دوم عملیات ۳۳۱/۹۹۲ تاریخ: ۴۳/۶/۲۹۰

□ . حضرات آیات عظام و مراجع تقلید به مناسبت فرا رسیدن یکمین سالگرد شهداء پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ که مصادف با دهه محرم ۱۳۸۳ بود طی اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و تلگرافات زیاد، خاطره شهداء ۱۵ خرداد را گرامی داشتند. در همین ایام یعنی در ۳۰-اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ برابر با هشتم محرم الحرام ۱۳۸۴ اعلامیه مشترکی از سوی حضرت امام خمینی (ره) و آیت‌الله میلانی (ره) و آیت‌الله نجفی (ره) و آیت‌الله قمی صادر، در این اعلامیه ضمن گرامی داشت یاد شهداء ۱۵ خرداد ۴۲، روز دوازدهم محرم ۸۴ را روز عزای عمومی اعلام فرمودند، در آن روز که مصادف بود با ۳ خرداد ۱۳۴۳ چندین هزار نفر در منزل آیت‌الله میلانی در-مشهد اجتماع، این جمعیت در منزل آیت‌الله قمی نیز اجتماع کردند. هدف اجتماع کنندگان در بیوت علماء هم‌آوایی یاد شهداء ۱۵- خرداد سال قبل بود. در این اجتماع اعلامیه علمای مذکور تحت عنوان «روز ۱۲ محرم عزای ملی اعلام می‌شود» توزیع می‌شد. (ر. ک: غلامرضا جلالی، تقویم تاریخ خراسان، از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صص ۱۹۴ و ۱۹۵).

□□ . قسمتی از آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء و معنی آن چنین است: و خداوند هیچگاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه-تسلط باز نخواهد کرد.

□□□ . «...گویا مطبوعات قلم را از ساواک دریافت کرده و برای او می‌نوشتند و یا شاید چاره نداشتند، خود سانسوری را پذیرفته بودند و حق نداشتند انحرافی از خواسته رژیم حاکم پیدا نمایند، روزنامه‌ها از چند قسمت ترکیب می‌شد یک قسمت که به اخبار خاندان سلطنت و عکسهای شاه و اعوان و انصار او اختصاص داشت، مسافرتها را قلم فرسایی می‌کردو از میهمانان عالیقدر!-شاهنشاه داد سخن می‌داد و در این دوران هم مسافرتها زیاد بود و هم بازدید میهمانان از شرق و غرب، از آسیا و آفریقا و آمریکا و اروپا بی حساب و کتاب به سوی ایران روان بودند آن هم چند دسته و زمانی هم کاخهای متعدد گلستان و مرمر و سعدآباد و نیاوران و... کافی نبود و از هتلها استفاده می‌شد و مطبوعات هم می‌بایست همه این پیشرفته‌ها و سخنرانیهای تشریفاتی را با عکسهای رنگی و غیر رنگی انتشار دهند... اصولاً سر دبیران روزنامه سعی داشتند چیزی نوشته شود که تولید اشکال ننماید. دولت بر روزنامه‌های کوچک طرفدار دولت نشریه انتشارات نگاه راهبردی

مبلغی پرداخت می‌کرد... در این دوره مسئله سانسور هم قدرت یافت و توسعه گرفت و تراوش فکر متوقف گردید. نویسندگان و خواننده، گوینده و شنونده مستقیماً در معرض این وضع خاص قرار داشتند، پنجه سانسور اجازه نمی‌داد تبادل فکر صورت گیرد و محیط را با خفقان کامل حفظ می‌کرد سانسور عمدتاً جهت سیاسی داشته نه اخلاقی، کتاب، فیلم، در مقدرات آنها است، اجانبند که مخازن پر قیمت زیر زمینی ما را به یغما برده و می‌برند، انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را بابه‌های ناچیز برده و روزنامه، رادیو و تلویزیون همه تحت رژیم سانسور قرار داشتند...» (مدنی، ۱۳۹۴، ج ۲، ۱۳۲)

□□□□ . در سالهای بعد که ایران شاهد قیام یکپارچه ملت ایران به رهبری حضرت امام بود، ایشان مطالب بسیار روشنگری-درباره مجلس وابسته به سیاستهای استعماری غرب بیان فرمودند که به قسمتهایی از آن اشاره می‌کنیم. «شما خیال می‌کنید که این وکلایی که شاه خودش انتصاب می‌کند [مقصود وکلای انتصابی مجلس سنا است] و به ملت هم مربوط نیست، خودش است؟ نخیر اینها را سفارتخانه اسمهایشان را هم نوشته‌اند، می‌آورند می‌دهند که اینها باید این حالا نبوده، در زمان رضاخان هم بود، از سفارتخانه‌ها، منتهی در یک وقت این سفارت انگلیس این کارها را می‌کرد، سابقش هم لابد سفارت روس می‌کرده است، حالا سفارت آمریکا می‌کند، شاید هم با هم باشند...» (بیانات در مورد مأموریت شاه برای اجرای طرحهای استعماری تاریخ ۵۷/۷/۲۰ صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۳) «...شاه گفت در یکی از نطقهایش، همین شاه دوم در یکی از نطقهایش گفت که لیست می‌دادند از سفارتخانه‌ها و مجبور بودیم که این لیست را عمل بکنیم، وکلا را آنها لیست می‌دادند که ما وکلا را تعیین بکنیم، ما هم تعیین می‌کردیم...» (بیانات امام در جمع دانشجویان اصفهان تاریخ ۵۸/۲/۲۵، صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۸۱) در همین رابطه آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) طی یک بررسی کارشناسانه به عنوان بررسی تحقیقاتی نخبگان و توزیع قدرت در ایران که با طبقه‌بندی سری و غیر قابل رؤیت برای بیگانگان یا مشاورین در بهمن ۱۳۵۴ تهیه کرده و در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام افتاد، گویای بسیاری از حقایق می‌باشد که گوشه‌ای از آن را می‌آوریم. «...به جز در چند مورد، مجلس هیچگاه به صورت معمول در یک حکومت پارلمانی عمل نکرده است. در اولین هفده سال موجودیت خود، ۱۹۰۶ تا ۱۹۲۳ [۱۲۸۵ تا ۱۳۰۲ ش] مجلس به مدت شش سال و نیم کارکرد و تنها مجلس دوره چهارم بود که در سال ۱۹۲۳ [۱۳۰۲ ش] یک دوره کامل را پشت سر گذاشت. در ۱۸ سال بعد یعنی دوره پنجم تا دوره سیزدهم، مجلس به صورت مهر پلاستیکی رضا شاه عمل می‌کرد. انتخابات هر دوره بدون هیچگونه مخالفتی برگزار می‌گردید. پس از حمله شوروی و انگلیس در تابستان ۱۹۴۱ [۱۳۲۰ ش] و استعفای رضا شاه، مبارزات انتخاباتی تنها جنبه رقابت بین منافع مختلف در-حوزه‌های انتخابیه پیدا کرد، در حالی که دولت و معمولاً نخست وزیر از طریق وزارت کشور اعمال نفوذ می‌نمود... در سال ۱۹۶۳ [۱۳۴۲ ش] یعنی ۴۰ سال پس از آنکه پدرش مجلس را تحت کنترل داشت محمدرضا شاه نیز پارلمانی ایجاد کرد که خود آن را کاملاً در اختیار داشت [به این نکته توجه فرمایید که محمدرضا یا رضاشاه نیز تحت قدرت آمریکا و انگلستان بودند ولی در این اسناد اشاره‌ای به این مسئله نمی‌شود و تحت نفوذ بودن مجلس را در تمام دوره پهلوی به شخص آنها نسبت می‌دهد] در دهه گذشته مجلسین دوره‌های ۲۱، ۲۲ و ۲۳ همان نقشی را برای محمدرضا ایفا می‌کردند که مجلسین دوره پنجم تا سیزدهم برای رضا شاه. اهداف متفاوت دو دیکتاتور سلطنتی سبب شد که دو مجلس با چهره‌های متفاوت لیکن مطیع پدید آید. در هر دو مورد یک نماینده می‌بایست حامی برنامه‌های شاه باشد. هر گونه شرط دیگر تحت الشعاع این شرط مهم قرار می‌گرفت. پارلمان از دیرباز تحت سلطه زمین‌داران و ۴۰ فامیلی اصلی بود [این چهل فامیل همه از

وابستگان قطعی استعمار جهانی به سرکردگی آمریکا و در قدیم الایام انگلیس بودند اسامی آنها در ابتدای همین سند سازمان سیا آمده است] از دوره اول تا دوره بیست و یکم [از ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۶ ش] هر یک از این چهل فامیل در هر دوره ۴ نماینده در مجلس داشتند... در تابستان سال ۱۹۶۰ [۱۳۳۹ ش] برای مجلس بیستم انتخابات برنامه‌ریزی شده‌ای اجرا شد. تقلب‌های انتخاباتی آن چنان رایج شده بود که شخص شاه انتخابات مزبور را باطل اعلام کرد. چند ماه بعد انتخابات جدیدی برگزار شد. این انتخابات نیز عاری از تقلب نبود... علی‌امینی [نخست وزیر وقت] در ماه مه ۱۹۶۱ [۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰] به سمت نخست وزیری منصوب گردید لیکن مهمترین شرط وی برای پذیرش این سمت ظاهراً- انحلال مجلس بود. شاه نیز فوراً این موضوع را به مرحله اجرا در آورد و برای مدت بیش از دو سال فرامین قوه مجریه جای قوه مقننه را گرفت و شکی نیست که این امر نیز نامشروع بوده است... انتخابات مجلس بیست و یکم در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۳ [۲۶ شهریور ۱۳۴۲] برگزار شد و تقریباً تمام افراد موجود در فهرست مصوبه انتخاب شدند [کاملاً توجه نمایید لیست مصوبه همانی است که در صدر مطلب از قول حضرت امام نقل کردیم] چند نفر نیز در آخرین لحظات تغییر داده شدند چون مشخص- شده بود که کاندیداهای مزبور کاملاً نامناسب بوده‌اند... حداقل یکی از افراد جدید نیز انتخاب نشد مگر چهار روز بعد از پایان دوره انتخابات [!]. در مورد افراد منتخب عکس‌العمل‌های متفاوتی نشان داده شد. بعضی‌ها از هویت بسیاری از نامزدها بی‌خبر بودند حداقل دو تن از استان داران شخصا به شاه اعتراض کردند که علم کردن این تعداد افراد ناشناخته در بخش‌هایشان مشکلاتی را پدید خواهد آورد... اکثر نمایندگان جدید تا حدودی به حرفه تخصصی خود آشنا بودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی